

علی(ع) 1400 انسان را ناجوانمردانه به قتل رسانده

تعداد افراد سربریده شده توسط امام علی امام اول شیعیان
امام علی امام اول شیعیان یکی از بزرگترین متخصصان سر بریدن انسان ها در تاریخ چند هزار ساله ما انسان هاست . البته این مطلب برای شیعیان بسیار دور از ذهن و عجیب است ولی متاسفانه کتاب های زیادی از خود شیعیان بر این داستان غم انگیز شهادت می دهند امام علی رکورد کشتن افراد با دست خود را دارد، من تابحال به هیچ شخصیت دیگری در تاریخ هیچ مملکتی در هیچ زمانی بر نخورده ام که با دست خود این تعداد آدم را کشته باشند. البته بوده اند چنگیزها، تیمورها، هیتلر ها و سایر آدمهایی که کردار و پندار آنها به مرگ صدها، هزاران و میلیونها نفر انجامیده است، اما آنها هیچکدام خودشان با دست خود این تعداد آدم نکشته اند. حتی اگر آدمهای دیگری نیز پیدا شوند که بیش از علی با دست خود آدم کشته باشند، امام علی به مقام دوم یا سوم تاریخ نزول پیدا می کند و این مردی است که شیعیان با تحریف اتفاقات تاریخی و نادیده گرفتن اعمال او سعی در ساختن الگویی اخلاقی از وی دارند. تصور کنید شخصی در چشم انسانهای دیگر نگاه میکرده است و همزمان سر آنها را میبریده است، آیا برای چنین انسانی میتوان هیچ احترامی قائل شد؟ من اینجا تعداد افراد کشته شده توسط علی را از کتاب های تاریخی میاورم سپس آن ها را با هم جمع می زنم تا ببینیم آیا امام علی افتخار مدال طلای آدمکش ها را دارد یا نه.

علی و زبیر بن عوام پس از پیروزی بر قبیله "بنی قریظه" تعداد ۹۰۰ نفر از مردان قبیله را در مقابل گودالهایی که از پیش کنده بودند سر بردند. (تاریخ طبری. جلد ۳) پیامبر بگفت تا در زمین گودالها بکنند و "علی" و "زبیر" در حضور پیامبر گردن آنها را زدند. (تاریخ طبری. جلد ۳، صفحه ۱۰۹۳) اگر فرض کنیم که علی و زبیر بن عوام هرکدام به اندازه یکدیگر سر بریده اند، به این نتیجه خواهیم رسید که امام علی تا اینجا با دست خود 400 نفر را سر بریده است.

400

۲- کشتار خاندان "ازد":

علی و یارانش در یک روز تعداد ۲۵۰۰ نفر از خاندان "ازد" را سر بردند. بنحوی که کسی زنده نماند تا دیگری را دلداری دهد. (مروج الذهب . جلد اول . صفحه ۷۲۹)
اگر خوشبینانه به قضیه نگاه کنیم و زبیر سربر را تنها یار علی حساب نکنیم برای امام علی 4 نفر همراه در نظر می گیریم پس:

سهام علی می شود 500 نفر که با 400 نفر بالایی می شود 900 نفر

$900=400+500$

۴- نبرد "لیله الحریر":

علی در نبردی بنام "لیله الحریر" در حدود ۵۰۰ تا ۹۰۰ نفر را از دم تیغ گذراند. (منتهی الامال . جلد ۱، صفحه ۱۵۳)
میانگین 500 و 900 می شود اینجا به خاطر گل روی شیعیان کمترین عدد ذکر شده که 500 هست را حساب می کنیم علی در این نبرد ناجوانمردانه 500 نفر را کشت

$1400=900+500$

۵- کشتار "عبدالله خرمی و یارانش":

عبدالله خرمی و ۷۰ تن از یارانش از بیم جان به قلعه ای پناه برد. به دستور علی قلعه به آتش کشیده شد که در جریان آن تمامی این افراد در آتش سوختند بطوری که بوی گوشت بریان شده آنها آنچنان در هوا پخش شده بود که مردم را آزار می داد. (علی مرز نامتناهی . صفحه ۱۹۹)

اینجا علی 70 نفر را مثل آب خوردن کباب کرده

$1470=1400+70$

۶- کشتار کسانی که بعد از فوت محمد از دین اسلام برگشتند:

آنانکه دست رنگ کرده بودند و شادی و شغف در اثر در گذشت محمد نشان داده بودند "علی" و "خالد بن ولید" همه را بکشتند و اجسادشان را در آتش سوزاندند. (تاریخ طبری. جلد ۴ . صفحات ۱۴۶۴، ۱۳۸۰) (تاریخ طبری. جلد ۶، صفحات ۲۲۶۵، ۲۴۲۰)

به طور تخمینی تعداد زنان و مردان کشته شده توسط علی را 100 نفر حساب می کنیم

$$1570=1470+100$$

البته امیدوارم از طرف شیعیان به بی انصافی متهم نشوم چون من اینجا فقط قتل های ناجوانمردانه علی را جمع کردم مگر نه اگر شمار کشته شدگان به دست علی را در جنگ هایی مثل نهروان صفین جمل خیبر و ده ها جنگ دیگر آن امام حساب کنم بدون شک این تعداد از 5000 نفر هم بیشتر می شود

برای اینکه آخرین امتیاز را هم به علی داده باشیم 1570 را به 1500 رند می کنیم پس:

علی(ع) که مثلا همای رحمت! است با وجدان آسوده 1500 نفر را ناجوانمردانه کشتار کرده

1500

در ادامه مقاله می توانید با بقیه شیرین کاری های آن امام بزرگوار آشنا شوید

نقش علی در ترور مخالفان :

۱- ترور شاعری بنام " حویرث بن نقیذ":

وی شتر دختران محمد "فاطمه" و "ام کلثوم" را رم داده بود به فرمان حضرت محمد و توسط علی در جریان یک توطئه به قتل رسید. (سیره ابن هشام . جلد ۲ , صفحه ۲۷۳)

۲- سر بریدن " مغیره":

پیر مردی بنام "مغیره" که پس از فتح مکه از ترس محمد گریخته بود بوسیله علی دستگیر و سر بریده شد. (زنان پیغمبر . صفحه ۳۱۶)

۳- علی شاهرگ مردانی را برید و بمانند مرغان نیم بسمل آنان را در بیابان رها کرد تا با شکنجه بمیرند. (امام علی . عبدالفتاح . جلد ۵ , صفحه ۲۷)

۴- سر بریدن "نضر" و "عتبه":

پس از شکست " ائیل" محمد به علی دستور داد که "نضر" پسر " حارث" را سر ببرد. همینطور در منطقه ای دیگر بنام "الظیه" از میان اسرا "عتبه" پسر " ابی معیط" بدستور محمد و بدست علی سر بریده شد. (منتهی الامال . جلد ۱ , صفحه ۵۷)

۵- سر بریدن "عتبه":

مردی بنام "عتبه" که بخاطر عدم پخش مساوی غنایم بین لشکریان اسلام به صورت محمد تف کرده بود بوسیله علی سر بریده شد. (تاریخ طبری . جلد ۵ . صفحه ۱۱۰۳)

تجاوز به یک برده

محمد بن بشار، از روح بن عباده، از علی بن سوید بن منجوف، از عبدالله بن بریده، نقل کرده است که:

رسول خدا علی را به سوی خالد فرستاد تا خمس (سهم پیامبر از غنایم را) بگیرد و من از دست علی ناراحت شدم، بعد از اینکه علی غسل گرفت (بعد از برقراری تماس جنسی با یکی از بردگانی که جزوی از غنایم بود) من به خالد گفتم، «آیا این را نمیبینی؟» (خواهید علی با بریره را). وقتی به پیامبر رسیدیم، من جریان را برای پیامبر تعریف کردم. پیامبر گفت، «ای بریده آیا از علی متفری؟» گفتم «آری»، پیامبر گفت «از او متفر نباش، زیرا سهم او از خمس بیش از این است».

توضیحی که در برگ 447 آمده است در مورد همین حدیث میگوید

بریره از علی متفر بود زیرا علی دختری را از میان غنائم بیرون کشیده بود و با او تماس جنسی برقرار کرده بود و در نظر بریده این کار او ناپسند بود.

در اینجا علی دختری را از میان اسرا انتخاب کرده و با او همبستر می شود. وقتی که این قضیه با محمد در میان گذاشته می شود او این مسئله را تایید می کند. توجه داشته باشید که اسرا همچون غنیمت ها به شمار میرفتند و از اموال مسلمانان و مسلمانان میتوانند از کنیز خود برای سکس استفاده کنند یا به عبارت دیگر به آنها تجاوز کنند.

ماجرای جنگ امام علی با عمر بن عبدود و تف انداختن او بر چهره امام (ناجوانمردی علی)

((دو مرد بهم گلاویز شدند. علی که دستش به سر و گردن عمرو نمی رسید، در حالی که او شمشیر را بر کشیده بود تا بر علی فرود آورد، وی ضربه ای چنان قوی بر ران عمرو زد که آن را قطع کرد و در افتاد و بر سینه اش پرید و ریشش را گرفت تا سرش را بگیرد. عمرو که از ننگ شکست از جوانی که خود را از او در پهلوانی نامورتر می دید، سخت به خشم آمده بود، بر چهره علی علیه السلام تف انداخت . علی علیه السلام بسختی خشمگین شد و در حالی که از غیظ، شمشیر را بر گردنش

گذاشته بود، ناگهان برداشت و کنار رفت . عکرمه و دیگران بسرعت فرار کردند و از خندق گذشتند. علی علیه السلام آنان را می نگرست ، قدم می زد، چشمش را به همه سو می گرداند و اندیشه های گوناگون را به مغزش هجوم می داد. خشمش فرو نشست . با لبخندی آرام بر گشت و با گامهای شمرده و راحت به عمرو نزدیک شد. پایش را بر سینه او گذاشت . عمرو که از این حرکت خیره مانده بود، پرسید: این چه بود؟!

علی علیه السلام گفت : از کار تو خشمگین شدم ، نمی خواستم از خشم خویش تو را بکشم ، صبر کردم که آرام گردم تا تو را همه برای خدا کشته باشم . و سپس چنان که گویی شتر و حسان بن ثابت که در همه جنگها با شعر برنده تر از شمشیرش شرکت داشت ، فرار عکرمه را از دم شمشیر علی علیه السلام سرود...)) (1)

تف انداختن عمر بن عبدود بر چهره امام علی و بعد برخاستن و دور زدن امام علی به دور او معمولاً از چیزهایی است که شیعیان خیلی راجع به آن صحبت می کنند، گمان می کنم نخستین بار که این داستان را شنیدم در کلاس سوم دبستان بودم. بیشتر تمرکز این داستان معمولاً روی این است که امام علی بلند شد، یک دور زد و بعد سر او را برید، این بلند شدن و دور زدن در نظر شیعیان خیلی اهمیت بیشتری دارد تا بریده شدن سر یک انسان. به یاد دارم در دوران جاهلیت خویش (وقتی که مسلمان بودم) وقتی به عمرو بن عبدود و کاری که کرده است فکر می کردم با خود می گفتم این شخص چه انسان پستی بوده است، وقتی در جنگ شکست میخوری و حضرت امام رویت مینشیند تا سرت را با دستهای مبارکش ببرد باید خیلی انسان پلیدی باشی که بر چهره آسمانی امام تف بیاندازی، بلکه باید اجازه بدهی آن امام عزیز سرت را راحت از تنت جدا کند (برای دیدن فیلمهای سر بریدن به بخش جنایات اسلامگرایان مراجعه کنید). و بعد یاد یکی از روضه خوانها می افتادم که شعر منصوب به مولوی را با آه و ناله در شبهای احیا می خواند و گریه زاری میکرد و ما هم با او اشک میریختیم که خدا مارا بخاطر کارهای بدی که کرده ایم ببخشد.

انداختن خصم در روی امیر المومنین علی کرم الله وجهه و انداختن امیرالمنین علی شمشیر از دست

| | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| از علی آموز اخلاص عمل | شیر حق را دان مطهر از دغل |
| در غزا بر پهلوانی دست یافت | زود شمشیری بر آورد و شتافت |
| او خدو انداخت در روی علی | افتخار هر نبی و هر ولی |
| آن خدو زد بر رخی که روی ماه | سجده آرد پیش او در سجده گاه |
| در زمان انداخت شمشیر آن علی | کرد او اندر غزاش کاهلی |
| گشت حیران آن مبارز زین عمل | وز نمودن عفو و رحمت بی محل |
| گفت بر من تیغ نیز افراشتی | از چه افکندی مرا بگذاشتی |
| آن چه دیدی بهتر از پیکار من | تا شدی تو سست در اشکار من |
| آن چه دیدی که چنین خشمت نشست | تا چنان برقی نمود و باز جست |
| آن چه دیدی که مرا زان عکس دید | در دل و جان شعله ای آمد پدید |
| آن چه دیدی برتر از کون و مکان | که به از جان بود و بخشیدیم جان |
| در شجاعت شیر ربانیستی | در مروت خود کی داند کیستی |
| در مروت ابر موسیقی بتیه | کمد از وی خوان و نان بی شبیه |
| ابرها گندم دهد کان را بجهد | پخته و شیرین کند مردم چو شهد |
| ابر موسی پر رحمت بر گشاد | پخته و شیرین بی زحمت بداد |
| از برای پخته خواران کرم | رحمتش افراخت در عالم علم |
| تا چهل سال آن وظیفه و آن عطا | کم نشد یک روز زان اهل رجا |
| تا هم ایشان از خسیسی خاستند | گدنا و تره و خس خواستند |
| امت احمد که هستی از کرام | تا قیامت هست باقی آن طعام |
| چون ابیت عند ربی فاش شد | یطعم و یسقی کنایت ز آش شد |

مولوی بگونه ای از ماجرا سخن گفته که گویا امام علی عمرین عبدود را بخشیده است و بیخیال ماجرا شده است. و بعد امام را ستایش می کند که چقدر کریم و بخشنده است و همینطور بگونه ای صحبت کرده است که عبدود بیمار بوده است و بدون هیچ دلیلی بر صورت امام که شمشیرش را به دست گرفته بود و تند میشتافت تف انداخته است. اما حال که دوران جاهلیت

پایان یافته و اسلام را کنار گذاشته ام به این نتیجه رسیده ام که مولوی هم دروغ گفته است، در هیچکدام از کتابهای تاریخی نوشته نشده است که امام علی عمر بن عبدود را بخشید و او را نکشت. البته شاید مولوی هم مثل روشنفکران دینی امروز می‌خواسته است با تحریف تاریخ، شخصیت‌های تاریخی و دروغهای هفت رنگ مردم زمان خود را گول بزند و با اینگونه حرفها اسلامگرایان زمانه خود را به ترحم و انسانیت دعوت کند، به این امید که از توحش تاریخی سنگسارگرایان بی‌وجدان و انسان ستیز کم شود. شاید هنر و ارزش مولوی تماماً به همین باشد، این داستان مولوی نیز همانند داستان موسی و شبان او که در هیچ کتابی یافت نمی‌شود و ساخته مولوی است تبلیغ مدارا و تحمل مذهبی می‌کند، در حالی که در قرآن چنین چیزهایی یافت نمی‌شود.

این ماجرا مربوط به جنگ احزاب یا خندق است که در آن تمامی اعراب جمع شده بودند تا محمد را که به کاروانها حمله برده بود و مردمانی را قتل عام کرده بود و تهدیدی برای منطقه بشمار میرفت از بین ببرند. اما عبدود برای چه بر چهره امام علی تف انداخت؟ پاسخ بسیار جالبی برای این پرسش وجود دارد. ود از بتهای مشهور اعراب بوده است و عبدود از پرستندگان آن بت بوده است. عبدود از پهلوانان عرب بود و در آن جنگ از معدود کسانی بود که توانسته بود از خندقی که به پیشنهاد سلمان پارسی کنده شده بود عبور کند. و بعد از عبور از خندق بدنبال مبارز میگردد و علی داوطلب مبارزه با او می‌شود، سیره ابن هشام در پوشینه سوم از قول امام علی در شرح ماجرای مبارزه علی با عبدود نوشته است چگونه با تو بچنگم درحالی که تو بر اسب نشسته ای (درحالی که من پیاده هستم)، پس از اسب فرود آی تا مانند من (پیاده) شوی. پس از اسبش پیاده شد. (2)

اعراب بیچاره آنقدر هم که مسلمانان اصرار دارند نشان دهند-انسانهای پستی نبودند، عبدود پهلوان برای اینکه در مبارزه با علی انصاف را رعایت کرده باشد از اسب پیاده می‌شود تا هردو با یکدیگر برابر شوند، یعنی آداب جوانمردی حتی در آن شرایط نیز وجود داشته است و انسانیت در آن کویر نیز جوانه‌هایی زده بود. اما جنگ سختی در میگیرد و پهلوان عرب با علی می‌جنگد. اما امام علی که گویا آن نیرویی که در هنگام کندن در خیبر داشته است (!) را نداشته دست به یک حرکت ناجوانمردانه و بسیار زشت میزند، ماجرای این عمل ناجوانمردانه در بسیاری از کتابهای حدیث اینگونه آورده شده است: میزان الحکمه پوشینه سوم بخش آداب جنگ

در جنگ احزاب میان علی (ع) و عمرو بن عبدود سخنانی گذشت علی به او فرمود: ای عمرو! (در بزدلی تو) همین بس نیست که من به جنگ تن به تن با تو آمده‌ام و تو که شهسوار عربی با خودت کمک آورده‌ای؟ عمرو برگشت که پشت سر خود را نگاه کند امیر المؤمنین (ع) بیدرنگ چنان ضربه‌ای بر دو ساق پای او وارد آورد که از پیکرش جدا شدند و گرد و غباری به هوا برخاست آن حضرت در حالی که بر اثر ضربت عمرو خون از فرقهش می‌ریخت و از شمشیرش نیز خون می‌چکید نزد رسول خدا (ص) برگشت رسول خدا (ص) فرمود: ای علی! فریض دادی؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا! جنگ نیرنگ است. (3)

آیا مشخص است که چرا آن ملعون بر روی چهره امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمانان تف کرد؟ عبدود از اسب پیاده شد تا اصول جوانمردی را رعایت کرده باشد و جنگی برابر داشته باشد، اما در مقابل علی در میان جنگ به او میگوید که یارانت نیز به کمک تو آمده‌اند، عبدود که برمیگردد تا ببیند آیا براستی یارانش از خندق گذشته‌اند یا نه، میبیند که افتخار هر نبی و هر ولی به او دروغ گفته است، و در این زمان امام پاهای پهلوان عرب را قطع می‌کند و آنگاه است که آن ملعون بر چهره امام شیعیان تف می‌اندازد. کجاست آن عدالت علی که شیعیان از آن سخن می‌گویند؟ پیامبر نیز گویا میدانسته است که علی از پس عبدود بر نمی‌آید، از علی پرسیده است که آیا وی را فریب دادی؟ و علی میگوید آری! براستی که جنگ همان خدعه و نیرنگ است. این خدعه و نیرنگ از همان خدعه‌هایی است که امام خمینی به مردم ایران زد. در فرانسه برای آنان از دموکراسی و حقوق بشر سخن گفت و در ایران از جمهوری اسلامی و شریعت اسلامی، همان امامی که ابتدا گفت میزان رای ملت است بعد گفت اگر همه بگویند آری من میگویم نه! آن امامی که قرار بود آب و برق را مجانی کند و پول نفت را در خانه‌های مردم به آنها تحویل بدهد! براستی که این دو امام چقدر بهم شباهت دارند.

ماجرای تف انداختن عبدود به علی مرا به شگفت و میدارد، از طرفی در شگفتم که چگونه در بیابانهای عربستان هم انسانیت و جوانمردی اینگونه وجود داشته است و عبدود که خود را در میان مسلمانان تنها یافته است حاضر می‌شود از اسبش پایین آید تا با علی برابر گردد و از طرفی فرومایگی علی و ددمنشی و زشت کرداری او است که مرا شگفتزده می‌کند، او چگونه توانست در مقابل چنین لطفی اینگونه پاسخ بگوید؟ بیش از رفتار علی رفتار شیعیان مرا شگفت زده می‌کند که چگونه با

اخلاقمدار دانستن علی خود نیز پا روی اخلاق و انسانیت میگذارند و چنین ددمنشی را نیک کردار میپندارند. منابع و توضیحات بیشتری در مورد این ماجرا را در نوشتاری با فرنام «علی؛ شیر حق یا یک دغلکار» بیابید.

ماجرای عقیل و امام علی

بارزترین مثال از عدالت طلبی مولای متقیان (ع) قاطعیت آن حضرت در برابر برادر خودش- عقیل- بود و با اینکه عقیل نابینا و فقیر و مستمند بود و غبار فقر بر چهره کودکش هم نمایان بود، اما امام علی (ع) هیچگاه از موقعیت خود سوءاستفاده نکرد و از بیت المال چیزی بیشتر از سایرین به برادرش نداد. (9)

از ماجراهای دیگر امام علی و عدالتش ماجرای عقیل بن ابیطالب برادر او است که به نزد او می آید و از او می خواهد که از بیت المال به او پولی دهد. امام نیز آهنی گداخته در آتش را به سوی برادر نابینای خود نزدیک می کند و به روایاتی به بدن او میزند، و به او میگوید آتش جهنم از این داغ تر است، من را تاب و تحمل آن آتش نیست، چگونه از من می خواهی که به تو از بیت المال پول دهم؟

شیعیان این ماجرا را دلیل بر عدالت سرشار علی میدانند. برداشتن پول از بیت المال که از اموال دیگران است و به امانت نزد حاکم گذاشته شده بود بدون شک دزدی به حساب می آید. و شیعیان اصرار دارند که چون امام علی دزدی نکرده است باعث می شود که او از لحاظ اخلاقی بسیار والا و فوق العاده باشد است. این درحالی است که اکثر انسانها دزد نیستند، و دزدی نکردن به گمان من کاری عادی است و چندان شایسته ستایش نیست. گمان نمیکنم کار شایسته ای باشد اگر به کسی به دلیل دزد نبودن جایزه بدهند. همچنین سایر داستانهای مشابه مانند اینکه امام علی وقتی برای کارهای اداری شمعی روشن میکرد پول آنرا از پول بیت المال میداد و پول شمعی که برای خانه روشن میکرد را خود میداد بسیار شباهت به همین قضیه دارد. اگر شما هم پول قبض برق خانه خود را از پول شرکت یا جایی که برای آن کار میکنید نمیدزدید به همان اندازه اخلاقمدار هستید که علی بوده است. از شیعیان باید پرسید که آیا شما دزد هستید؟ اگر گفتند نه باید به آنها یاد آور شد که پس به اندازه همان امام علی اخلاقمدار هستید، البته با فرض اینکه امام علی دزد نبوده باشد.

اما از طرف دیگر عقیل کسی است که به نزد دشمن امام علی یعنی معاویه بن ابوسفیان میرفته است و از او نیز درخواست کمک میکرده است، بنابر این او برادری خیانت پیشه بوده است. جالب است بدانید برادر دیگر علی، طالب نیز در جنگ بدر در صف مکیان قرار گرفته بود و علیه علی جنگید، لذا برادر دیگر او نیز علیه او بود. کدام انسانی حاضر است به چنین برادر خائنی کمک کند؟ عقیل ظاهراً نه تنها یک برادر خیانت کار بلکه یک دزد نیز هست. یعنی از امام علی خواسته است که از بیت المال برای او دزدی کند. خود را بجای امام علی بگذارید، آیا شما دزد هستید؟ آیا شما حاضرید به چنین برادر نابکار و فرومایه ای کمک مالی کنید و یا بخاطر او دست به دزدی بزنید؟ اگر پاسخ شما به این دو پرسش منفی است، پس شما نیز به همان اندازه امام علی قابل ستایش هستید. گمان من بر آن است که اکثر مردم در مقابل این دو پرسش پاسخ منفی میدهند و در عمل نیز نشان میدهند که به بر اساس این دو پاسخ رفتار میکنند، اگر اینگونه باشد کار امام علی چه ارزش فوق العاده ای پیدا میکند؟ آیا هرکس دزد نباشد انسان فوق العاده با اخلاق و شایسته ای است؟ روشن است که شیعیان در این قضیه اغراق میکنند و از ماجرای کم اهمیت نتیجه گیری های غیر عادی میکنند.

حال اینکه آیا آهن داغ گذاشتن در دست کسی که نابینا است کار اخلاقی است، یا اینکه رفتاری بیمارگونه و نشان دهنده بلاهت یک شخص است بر عهده شما بماند. همچنین مقایسه این داستان با داستان دیگر که علی در هنگام رکوع انگشت خود را که خراج روم را با آن میشد داد به گدایی داده است و تناقض میان این دو داستان نیز بر عهده شما. شاید اسلامگرایان به دلیل فساد شدید اخلاقی که گریبانگیرشان است و بی انصافیها و دزدیهای که بینشان رایج است اینگونه اعمال را فوق العاده و تعجب بر انگیز بدانند، اما چنین رفتارهایی قطعاً باعث نمیشوند که شخصی یک الگوی اخلاقی فوق العاده برای انسانهای تمام دور آنها شود.

توصیه های امام به مالک اشتر

نمی توان انصاف را کنار گذاشت و گفت این جملات که در نامه 53 مجموعه نهج البلاغه آمده بی ارزش هستند. اما دو قضیه را نیز نباید فراموش کرد. یکم اینکه کتاب نهج البلاغه تقریباً 400 سال بعد از حیات علی نوشته شده است، کتابی است که اسناد و مدارک معتبری را از راویان اعلام نمی کند و به همین دلیل ارتباط این کتاب با امام علی بسیار ضعیف است برای اطلاعات بیشتر پیرامون نهج البلاغه به نوشتاری با فرنام «نهج البلاغه نوشته کیست؟» مراجعه کنید. البته این کتاب در نزد شیعیان ارزش بسیار یافته است اما براستی ارزش تاریخی چندانی ندارد. دومین نکته که اهمیت بیشتری از نخستین نکته

دارد این است که عدالت واژه بسیار بزرگ و کلی است. آیا هرگز تابحال شنیده اید شخصی مردم را تشویق به بی عدالتی بکند یا بگوید که هوادار بی عدالتی است؟ همه انسانها طرفدار عدالت هستند منتها تعریف انسانها از عدالت متفاوت است. هیتلر گمان میکرد از بین بردن یهودیان و همجنسگرایان و کمونیست ها و سلطه نژاد آریایی و افراد مو بور چشم آبی بر سایر انسانها که او شبیه انسان مینامیدشان عادلانه است. بنابر این تشویق به عدالت کردن هیچ ارزش خاصی ندارد. عدالت از نظر امام علی برابر با به بردگی کشیدن انسانها، حمله به کشورهای مختلف، کشتن مردان و تصاحب زنانشان بوده است. امام علی تجاوز به اسرا را عین عدالت میدانسته است از نظر او چشم در آوردن، دست و پا بریدن، آدم سوزاندن، سر بریدن و غیره برابر با عدالت بوده است. بنابر این، اینگونه نصیحت ها نیز کوچکترین ارزشی ندارند.

علی اسلام را عادلانه میدانسته است و همین کافی است که او شخصی عادل نباشد و توصیه او به عدالت در اصل رعایت کردن اسلام و قوانین آن است. حال اگر اسلام عادلانه نباشد که نیست، عدالت علی نیز زیر سوال میرود. اگر چشم در آوردن، دست بریدن، سر بریدن، آدم سوزاندن، تجاوز به سایر مردم و ملتها، سرکوب انسانهای آزادیخواه، سنگسار کردن، برده داری کردن، همخوابگی با بردگان حمله به کاروان ها و غیره عادلانه هستند، علی و در کنار او چنگیز خان مغول، اسکندر، هیتلر، استالین و خمینی را نیز دادگر و دادگستر دانست.

امام علی و اسلحه نکشیدن بر روی خوارج

معمولاً گفته می شود که علی در مقابل خوارج تا زمانی که آنها بر روی او شمشیر نکشیدند، شمشیر نکشید. البته شیعیان نمیگویند که علی وقتی شمشیر علیه خوارج کشید با آنها چه کرد و چه خونهایی از منتقدین او که دو دستی حکومت را چسبیده بود ریخت. اما اینکه چرا علی چنین کاری نکرد بیشتر به این برمیگردد که علی برعکس محمد سیاستمدار خوبی نبود و اشتباهات سیاسی بسیاری را مرتکب شده بود. از طرفی او درگیر سایر مسائل سیاسی و جنگ با رقبای دیگر بود و موقعیت سرکوب خوارج را تا زمانی که دست به این کار زد، بدست نیاورده بود. اما حتی اگر فرض کنیم علی با سایر مسلمانان رفتار شایسته ای داشته است، آیا همین کافی است که او را انسانی اخلاقمدار و عادل بدانیم؟ این تنها در صورتی میسر است که کارهای وحشتناک دیگری که او انجام داده است را نادیده بگیریم. معمولاً اسلامگرایان فاشیسم دینی رهبران شان نسبت به ناباوران به اسلام و دگر اندیشان را نادیده میگیرند و تنها رفتار اسلامگرایان اولیه با سایر اسلامگرایان را مد نظر قرار می دهند. در زیر چند مورد مورد از این کارهای وحشتناک را خواهیم آورد.

سر بریدن صدها نفر از یهودیان بنی قریظه. در ماجرای بنی قریظه تمامی تاریخ نویسان اتفاق نظر دارند که امام علی و زبیر بن عوام مسئول سر بریدن یهودیان اسیر بودند و سر آنها را بردند و جسد آنها را در چاه انداختند (برای مدارک و اسناد و بحث مفصل به بخش در ماجرای بنی قریظه واقعا چه اتفاقی افتاد؟ مراجعه کنید). حال در مورد تعداد افراد این قبیله که کشته شده اند دو قول 900 تن و 700 تن آورده شده است، اگر میانگین این دو قول یعنی 800 نفر را بپذیریم و فرض کنیم که علی و زبیر بن عوام هرکدام به اندازه یکدیگر سر بریده اند، به این نتیجه خواهیم رسید که امام علی با دست خود 400 نفر را سر بریده است. اگر شخصی تنها 1 نفر آدم بیگناه را سر ببرد او انسان قاتل و کثیفی خواهد بود، چه برسد به اینکه 400 نفر را سر ببرد. در جایی دیگر آمده است «در لیلۃ الہریر (در جنگ صفین) زیاده از پانصد کس و بقولی نهصد کس را با شمشیر بکشت و بهر ضربتی تکبیری گفت» (شیخ عباس قمی، منتهی الامال پوشینه یکم برگ 183). وجدان شما در مورد کسی که در چشمهای صدها انسان نگاه کرده است و سرهای آنها را بریده است و جان آنها را در مقابل عزیزانشان گرفته است به شما چه میگوید؟ آیا حاضرید در همسایگی چنین مردی زندگی کنید؟ امام علی رکورد کشتن افراد با دست خود را دارد، من تابحال به هیچ شخصیت دیگری در تاریخ هیچ مملکتی در هیچ زمانی بر نخورده ام که با دست خود این تعداد آدم را کشته باشند. البته بوده اند چنگیزها، تیمورها، هیتلر ها و سایر آدمهایی که کردار و پندار آنها به مرگ صدها، هزاران و میلیونها نفر انجامیده است، اما آنها هیچکدام خودشان با دست خود این تعداد آدم نکشته اند. حتی اگر آدمهای دیگری نیز پیدا شوند که بیش از علی با دست خود آدم کشته باشند، امام علی به مقام دوم یا سوم تاریخ نزول پیدا می کند و این مردی است که شیعیان با تحریف اتفاقیهای تاریخی و نادیده گرفتن اعمال او سعی در ساختن الگویی اخلاقی از وی دارند. تصور کنید شخصی در چشم انسانهای دیگر نگاه میکرده است و همزمان سر آنها را میبریده است، آیا برای چنین انسانی میتوان هیچ احترامی قائل شد؟

قتل عامهای علی به این مورد منتهی نمیشود، وی و یارانش دست به جنایات بسیار هولناکی زده اند، به گوشه ای دیگر از اسناد تاریخی توجه کنید:

به ابی لبید جهضمی که از قوم ازد بود گفتند «علی را دوست داری؟» گفت «چگونه کسی را که در یک قسمت روز دو هزار و پانصد کس از قوم مرا کشته است دوست داشته باشم؟ آنقدر از مردم کشت که کسی نبود کسی را تسلیت گوید و هر خاندانی بکشتگان خود مشغول بود». (8)

سوزاندن انسانها. البته این درست نیست که میتکر آدم سوزان امام علی بوده باشد، اما مسلمانان او نیز همچون هیتلر در هولوکاست، دست به سوزاندن آدمها زده است. آدم سوزاندن او نیز همچون آدم سوزی هیتلر از روی باورهای افراد بوده است. امام علی در زمان حیات خود افراد دگر اندیش را زنده زنده سوزانده است، و اینکار همانطور که در ادامه همین نوشتار خواهد آمد در مورد قاتل او نیز انجام شد. آدم سوزی های علی در جنگ های رده اتفاق افتاده است. اعراب بسیاری که همچون ایرانیان با اعراب و زور شمشیر مسلمان شده بودند مرگ محمد را جشن گرفتند و زبانشان دست خود را حنا بسته بودند، مسلمانان به شدت به سرکوب و قتل عام این افراد و قبایل پرداختند به این جنگها جنگهای رده گفته می شود. علی این افراد را زنده زنده سوزاند. (کامل ابن اثیر، پوشینه دوم صفحات 37، 83، 88). علی بارها گردن زده است (مثلاً نصر بن الحارث) آدم به دو نیم قسمت کرده است (مقلا مرحب یهودی منتهی الامال پوشینه نخست برگ 184) برای سیاهه ای بزرگتر از جنایات علی از این دست به کتاب پژوهشی در زندگانی علی بخش هفتم با فرنام «علی درخیم محمد» مراجعه کنید. سرکوب ایرانیانی که از سلطه و تجاوز مسلمانان عرب به تنگ آمده بودند از دیگر جنایات علی است، در زمان حکومت علی مردم بسیاری از شهر های ایران توسط حکام علی و با دستور مستقیم وی با خشونت تمام سرکوب شدند. وی همچنین در تجاوز نخستین اعراب به ایران که قرنها سبب بردگی ملت ایران شد نقش فراوان داشته است برای جزئیات و اسناد در این زمینه به نوشتاری با فرنام کشتار ایرانیان به دست علی و همچنین به بخشی با فرنام مختصری از مقاومت های مردم ایران در مقابل اعراب مسلمان مراجعه کنید، اگر انسانگرایی در برخی ایرانیان به آن حد نیست که کشتار اعراب و یهودیان و مخالفان اسلام تشنه را بلرزاند و نشان دهد که علی چه انسان دمنشی بوده است، امید است مطالعه بلایی که علی و امثالهم بر سر ایرانیان آورده اند موجب شود تا چهره واقعی علی برای ایرانیان آشکار شود. شمشیر نکشیدن علی در مقابل خوار را در کنار این کارها بگذارید، آنگاه قضاوت کنید که علی درخیم بوده است یا انسان دوست و اهل مدارا.

ماجرای عقیل و امام علی

بارزترین مثال از عدالت طلبی مولای متقیان (ع) قاطعیت آن حضرت در برابر برادر خودش- عقیل- بود و با اینکه عقیل نابینا و فقیر و مستمند بود و غبار فقر بر چهره کودکش هم نمایان بود، اما امام علی (ع) هیچگاه از موقعیت خود سوءاستفاده نکرد و از بیت المال چیزی بیشتر از سایرین به برادرش نداد. (9)

از ماجراهای دیگر امام علی و عدالتش ماجرای عقیل بن ابیطالب برادر او است که به نزد او می آید و از او می خواهد که از بیت المال به او پولی دهد. امام نیز آهنی گداخته در آتش را به سوی برادر نابینای خود نزدیک می کند و به روایاتی به بدن او میزند، و به او میگوید آتش جهنم از این داغ تر است، من را تاب و تحمل آن آتش نیست، چگونه از من می خواهی که به تو از بیت المال پول دهم؟

شیعیان این ماجرا را دلیل بر عدالت سرشار علی میدانند. برداشتن پول از بیت المال که از اموال دیگران است و به امانت نزد حاکم گذاشته شده بود بدون شک دزدی به حساب می آید. و شیعیان اصرار دارند که چون امام علی دزدی نکرده است باعث می شود که او از لحاظ اخلاقی بسیار والا و فوق العاده باشد است. این درحالی است که اکثر انسانها دزد نیستند، و دزدی نکردن به گمان من کاری عادی است و چندان شایسته ستایش نیست. گمان نمیکنم کار شایسته ای باشد اگر به کسی به دلیل دزد نبودن جایزه بدهند. همچنین سایر داستانهای مشابه مانند اینکه امام علی وقتی برای کارهای اداری شمع روشن میکرد پول آنرا از پول بیت المال میداد و پول شمعی که برای خانه روشن میکرد را خود میداد بسیار شباهت به همین قضیه دارد. اگر شما هم پول قبض برق خانه خود را از پول شرکت یا جایی که برای آن کار میکنید نمیدزدید به همان اندازه اخلاقمدار هستید که علی بوده است. از شیعیان باید پرسید که آیا شما دزد هستید؟ اگر گفتند نه باید به آنها یاد آور شد که پس به اندازه همان امام علی اخلاقمدار هستید، البته با فرض اینکه امام علی دزد نبوده باشد.

اما از طرف دیگر عقیل کسی است که به نزد دشمن امام علی یعنی معاویه بن ابوسفیان میرفته است و از او نیز درخواست کمک میکرده است، بنابر این او برادری خیانت پیشه بوده است. جالب است بدانید برادر دیگر علی، طالب نیز در جنگ بدر در صف میکان قرار گرفته بود و علیه علی جنگید، لذا برادر دیگر او نیز علیه او بود. کدام انسانی حاضر است به چنین برادر خائنی کمک کند؟ عقیل ظاهراً نه تنها یک برادر خیانت کار بلکه یک دزد نیز هست. یعنی از امام علی خواسته است که از بیت

المال برای او دزدی کند. خود را بجای امام علی بگذارید، آیا شما دزد هستید؟ آیا شما حاضرید به چنین برادر نابکار و فرومایه ای کمک مالی کنید و یا بخاطر او دست به دزدی بزنید؟ اگر پاسخ شما به این دو پرسش منفی است، پس شما نیز به همان اندازه امام علی قابل ستایش هستید. گمان من بر آن است که اکثر مردم در مقابل این دو پرسش پاسخ منفی می‌دهند و در عمل نیز نشان می‌دهند که به بر اساس این دو پاسخ رفتار می‌کنند، اگر اینگونه باشد کار امام علی چه ارزش فوق العاده ای پیدا می‌کند؟ آیا هرکس دزد نباشد انسان فوق العاده با اخلاق و شایسته ای است؟ روشن است که شیعیان در این قضیه اغراق می‌کنند و از ماجرای کم اهمیت نتیجه گیری های غیر عادی می‌کنند.

حال اینکه آیا آهن داغ گذاشتن در دست کسی که نابینا است کار اخلاقی است، یا اینکه رفتاری بیمارگونه و نشان دهنده بلاهت یک شخص است بر عهده شما بماند. همچنین مقایسه این داستان با داستان دیگر که علی در هنگام رکوع انگشتر خود را که خراج روم را با آن میشد داد به گدایی داده است و تناقض میان این دو داستان نیز بر عهده شما.

شاید اسلامگرایان به دلیل فساد شدید اخلاقی که گریبانگیرشان است و بی انصافیها و دزدیهای که بینشان رایج است اینگونه اعمال را فوق العاده و تعجب بر انگیز بدانند، اما چنین رفتارهایی قطعاً باعث نمیشوند که شخصی یک الگوی اخلاقی فوق العاده برای انسانهای تمام دورانها شود.

مطالب مرتبط: سر بریدن در اسلام(مقاله کامل)

سر بریدن اسیر توسط امام علی

منابع:

<http://antieslam.net/fa/?p=384>

تارنمای زندیق:

(1) http://www.imamjawad.net/html/far/library/adyan_history3/t-a-3003.htm

(2) سیرت رسول الله، ابن هشام، پوشینه سوم +

(3) میزان الحکمه، بخش آداب جنگ پوشینه سوم +

(4) <http://www.emdad.ir/HomePage.aspx?TabID=3769&Site=EmdadPortal&Lang=fa-IR>

(5) <http://www.ahmadinejad.ir/fa/autobiography>

(6) منابع از کتاب آل دالفک برگ 257؛ دفتر تاریخ آل محمد نوشته پژوهشگر و مورخ نامدار ترک زندگنه زورلی قاضی بهلول

بهجت افندی برگردان ادیب میرزا مهدی برگ 205-مجمع الزواید پوشینه نهم برگ 255- دفتر زنان پیغمبر اسلام نوشته عمادزاده که مینویسد امامه آنچنان خردسال بود که بخاک بازی میکرد.

(7) الامام علی بن ابی طالب، رابع الخلفاء الراشدين، الاستاذ محمد رضا، شیخ خلیل مامون شیحا، دار الكتاب العربی بیروت لبنان، برگ 13.

(8) مروج الذهب، برگ 729

(9) <http://www.kayhannews.ir/840808/5.htm>

(10) <http://goto.glocalnet.net/arkiv1/matn6-582.htm>

(11) محمد رضا سعادت، حکومت اسلامی یا ارزش اسلامی، +

(12) مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 1382، پوشینه نخست برگ 774

(13) همانجا برگ 775

(14) الطبقات کبری، ابن سعد، المپوشینه الثالث، ذکر عبد الرحمن بن ملجم المرادی +

(15) منتهی الآمال پوشینه نخست برگ 224

(16) <http://www.kayhannews.ir/840527/5.htm#other50>

آیا وجدان شما قبول می کند که روز تولد این قاتل بی رحم عرب روز پدر ما ایرانی ها باشد؟